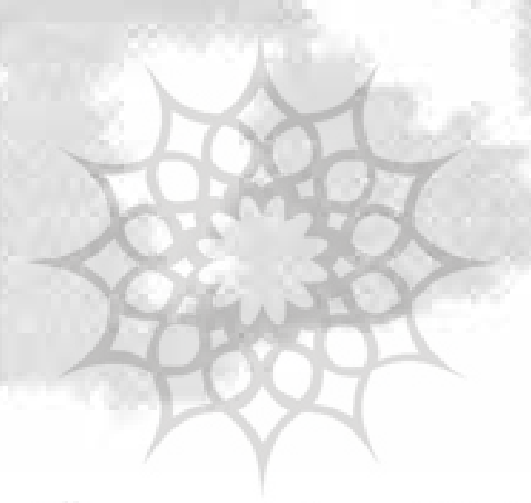


نقوش تزینی کلاه میلی مردان مکریان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مركز جامع علوم انسانی

در جای جای این مرز پرگهر می‌توان نشانه‌های بارز یکتاپرستی به همراه خرد و دانش را از انسان‌های ایران باستان مشاهده کرد. در این میان کردهای ساکن دامنه‌های زاگرس به عنوان بازماندگان اولین ساکنان این سرزمین و بازماندگان ماناها و اقوام پیش از آنها جایگاه ویژه‌ای دارند. زیرا آنها وامدار و ادامه دهندگان راه اقوام و فرهنگ کهن ایران باستان هستند و در این میان نقوش هنرهای سنتی و... که از دیرباز حفظ و سینه به سینه منتقل شده‌اند، گواه این ادعا است. در این میان هنرمندان معاصر می‌توانند با استفاده از پیشینه گرانبهای خویش و خلاقیت و روش‌های نوین، هنر این مرز و بوم را محافظت و آن را روز به روز گسترش دهند.

اهداف: - شناسایی کلاه میلی مردان مکریان

- بررسی نقوش به کار رفته روی کلاه میلی مردان مکریان

پرسش‌ها: - انواع نقوش تزینی روی کلاه میلی مکریان کدام است؟

- نقوش به کار رفته در تزئین کلاه میلی مکریان چه ویژگی‌هایی دارند؟

روش تحقیق: - توصیفی، تحلیلی، تاریخی و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و میدانی

واژگان کلیدی:

- نقوش تزینی، مکریان، کلاه میلی، نقوش روی کلاه

مقدمه

هنرهای سنتی همواره در جوامع مختلف جایگاه ارائه‌ی افکار و عقاید یک ملت به همراه ویژگی‌های خاص آن جامعه بوده و هست. در این میان دست ساخته‌ها و بافتنی‌های مردم روستانشین از جایگاه خاصی برخوردار است چرا که آنچه ارائه می‌کنند از ناخودآگاه جمعی آنها برخاسته و از پیشینیان‌شان به ارث برده‌اند. این هنرها که بیشتر جنبه‌ی کاربردی دارد با گذشت زمان و نیاز آنها تغییر شکل داده و با استفاده از مواد و مصالح جدید دگرگون شده‌اند. در صورتی که بیشتر تمام مواد و مصالح از طبیعت استخراج می‌شد و با الهام از طبیعت نیز تزئین می‌شدند. این هنرها با اینکه با تحول جامعه و حرکت به سوی زندگی ماشینی و صنعتی در معرض تغییر قرار گرفته‌اند ولی تا سرحد امکان به تمدن دیرینه‌ی خویش وفادار بوده و آن را به نسل‌های بعدی منتقل کرده‌اند.

در این راستا هدف آن است که نقوش کلاه‌های مردان کرد ایران منطقه‌ی مکریان مورد بحث قرار گیرد چرا که بسیاری از این نقوش قدمت هزاران ساله داشته و از تمدن‌های پیشین این منطقه (ماد، مانا و...) سرچشمه می‌گیرند.

کردها

به علت اینکه تاریخ کرد تاکنون به خوبی موشکافی نشده و مورد پژوهش دقیق واقع نگردیده، باورها و عقاید گوناگونی درباره‌ی کردها مطرح شده است و در پیرامون آن داستان‌هایی هم ذکر کرده‌اند از جمله شاعر نامی ایران فردوسی (۳۲۹ - ۴۱۱ هجری) در شاهنامه کردان را از نسل کاوه آهنگر می‌داند.

اکنون براساس پژوهش‌های محققان ایران‌شناس ثابت شده است که نژاد کرد نمودار طوایف زاگرس‌نشین: (گوتی، لولو، کاسی، نایری، میتانی، سوباری، مانائی، اورارتو، کردوک) می‌باشند که در روزگار کهن در سرزمین زاگرس یا کردستان ساکن بودند و با طوایف هند و اروپایی به هم پیوسته‌اند و از یک نژاد هستند.^۱ درباره‌ی واژه‌ی کرد نیز ناهمگونی وجود دارد و در هزاره اول قبل از میلاد، تیگلات پیلسراول آشوری (۱۱۱۵-۱۱۰۰ ق.م) در کوه‌های آزو با گروهی به نام کرتی Kurti جنگید و سخت شکست خورد و دراور خاورشناس می‌گوید: آزو همان هازوی کنونی است که آن را ساسون هم می‌گویند و گزنفون نیز در کتاب بازگشت ده هزار سرباز یونانی از مردم کردوک یاد می‌کند و می‌گوید سرزمین آنها تابوتان یا بوتان است. از آن زمان این نام را درباره‌ی مردم سرزمین‌های کنار چپ رود دجله و پیرامون آرات می‌بینیم که نویسندگان آنجا را به نام کردوئن یاد کرده‌اند که در زبان آرامی کاردو می‌باشند.^۲

از نوشته‌های استرابون چنین استنباط می‌شود که مدت‌ها برای کوه‌های میان دیار بکر و موش واژه‌ی کردوا Kurdwa به کار می‌رفته است و یونانیان این سرزمین را Kardo می‌خواندند. در زبان آشوری به دو واژه‌ی کاردو Kardo و کارادو Karado برمی‌خوریم که اولی به معنی نیرومند و پهلوان و دومی به معنی نیرو آمده که نمودار کرد یا سرزمین کردان است.^۳

می‌توان گفت کردها از نژاد آریایی و ایرانی هستند و پیشینه‌ی آنها از پیشینه‌ی ایران سرچشمه گرفته و از آن جدا می‌شود. آنها در اصل وابسته به نژاد هند و اروپایی هستند و پیشینه‌ی تاریخی‌شان به سه هزار سال قبل از میلاد می‌رسد. این امر آشکارا بیانگر آن است که کردها چندین هزار سال قبل از این تاریخ نیز بوده‌اند که به تدریج پیشرفت و از راه پاسداری زاد و بوم خود ایستادگی کرده‌اند و در برابر تاخت و تازکنندگان نیرومند شده‌اند تا اینکه توانسته‌اند با همسایگان خود چون کلد و آشور و سومر و بابل برخورد کرده و سرزمین‌شان را تصرف کنند.

مادها نیز که در قرن هفتم قبل از میلاد به ایران مهاجرت کردند، به کردها می‌رسند. در بیشتر تاریخ‌ها واژه‌ی کرد هم ردیف واژه‌ی ماد می‌باشد چنان که در تورات نیز پشت سر واژه ماد یا مدی نام کردستان می‌آید و در کتاب عشق و سلطنت هم همه جا کرد و ماد به یک معنی آمده است. روی هم رفته مادها شاخه‌ای از کردها هستند و کردها از نژاد آریا و هند و اروپایی می‌باشند.^۴



مکریان

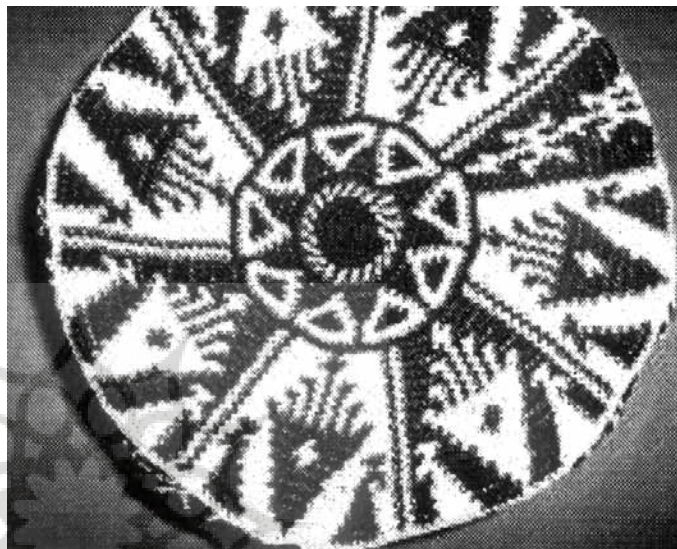
در یک گوشه از سرزمین پهناور ایران در شمال غرب کشور ناحیه‌ای است با کوه‌های سر به فلک کشیده و پرتگاه‌های عمیق و چشمه‌سارهای دل‌انگیز که ما آن را کردستان مکرری به مرکزیت شهرستان مهاباد می‌شناسیم.

کردستان مکرری سرزمینی بسیار وسیع و از نظر طبیعی توده‌ی مرتفعی است که از شمال به شهرستان اشنویه و دریاچه ارومیه، از سمت جنوب به شهر سنندج، از طرف غرب به کشور عراق و از سمت شرق به شهر مراغه و تبریز منتهی و هم مرز می‌شود.^۵

کلاه میلی مکریان

هر ملتی با توجه به دانش، ذوق و سلیقه و نیاز اجتماعی خویش دارای صنایع دستی و هنرهای سنتی بی‌شمار و خاص خویش می‌باشد که از ریشه‌های اجتماعی و فرهنگی به همراه نیاز و طبیعت موجود سرچشمه می‌گیرد. این هنرها بخش شاخص فرهنگ و تمدن آن ملت را تشکیل می‌دهند.

مردم کرد همسان سایر اقوام و تمدن‌های پراکنده‌ی ایران و جهان صاحب هنر و فرهنگی خاص و منحصر به فرد می‌باشد. هر چند به علت شرایط تاریخی و حوزه‌ی اجتماعی کردهای مکریان و دیگر کردها، در پیشینه‌ی این تمدن تاریخی، اثری از نقاشی و هنر تصویری به صورت کلاسیک اروپا و سنتی ایران نمی‌یابیم ولی باید اذعان داشت که نقوش به کار رفته در هنرهای سنتی این مردم به نوعی هنر تصویری آن قوم به حساب می‌آید که سرشار از صداقت و عشق به وطن بوده و ما را به گذشته‌های دور رهنمون می‌سازد و چه



بسا بسیاری از ناگفته‌های تاریخ را بازگو می‌نماید.

یکی از مهم‌ترین و شاخص‌ترین این هنرها، هنر بافندگی است که در میان زنان طرفداران بی‌شماری دارد. در این میان با توجه به نوع اثر و نیاز از ابزارهای خاصی استفاده می‌شود مانند: انواع کلاه، جوراب، دستکش، لباس، پرده، فرش و گیوه و... که در بافت هر کدام از ابزار متفاوت و شیوه‌ای خاص استفاده می‌شود.

در کردستان مکریان در میان دست‌بافته‌های زنان کرد نوعی کلاه جلب توجه می‌کند که به وسیله‌ی میل (قلاب کوچک) بافته می‌شود و دارای نقوش و تزیینات زیادی بوده و مردان از آن استفاده می‌کنند. این نوع کلاه بیشتر مختص منطقه‌ی مکریان بوده و مردان مکرری از آن استفاده می‌کنند و به دلیل اینکه در بافت آن از میل استفاده می‌شود به آن کلاه میلی هم گفته می‌شود. این کلاه‌ها با بافت بسیار ریز و ظریف به سه صورت بافته می‌شوند:

۱- کاملاً سفید ۲- سیاه و سفید ۳- رنگی

کلاه میرزایی یا کلاه میلی بر حسب شیوه‌ی بافت چند گونه است:

کلاه میلی

کلاه شکاک

کلاه توری

کلاه سیمی

کلاه سفید

کلاه قرمه و باقی

هر یک از این نوع کلاه‌ها به لحاظ فرم ویژگی خاصی دارند که آنها را از یکدیگر متمایز می‌کند. آنچه در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرد نقوش تزیینی‌ای است که در میان همه‌ی آنها مشترک بوده و از تفاوتی اندک برخوردار هستند.



نقش و نگاره در کلاه میلی مکریان

مهم‌ترین ویژگی این نوع کلاه، نقوش آن است. نقوش چشم‌نواز، خوش ترکیب، هماهنگ و متناسب و از همه مهم‌تر دارای اصل تقارن که در ضمن گرایش فراوانی به تجریدی شدن و انتزاعی بودن اصول هنرهای سنتی ایران دارد.

هنرمند این منطقه همان طور که در آثارش مشاهده می‌شود علاقه‌ی فراوانی به تحرک و تکاپو داشته و تلاش زیادی برای نشان دادن آن در آثارش دارد. به همین جهت است وی تمایل وافری برای نشان دادن نقوش انتزاعی و تجریدی، پر جنب و جوش و هندسی دارد. او بدون کمک طراحان خبره، آموزش دیده یا هم‌چون سایر رشته‌های هنر صنایع دستی، در نهایت مشقت و خلوص نیت با استفاده از تجربه‌ی چندین و چند ساله که به صورت سینه به سینه از مادر

و مادر بزرگانش به ارث برده است قلاب خویش را برداشته و شروع به بافتن و منقوش کردن این کلاه می‌کند. او هیچ طرحی را از قبل روی کاغذ پیاده نمی‌کند و مستقیماً ذهنیات خویش را با تار پود به همراه رنگ‌های درخشان و زیبا بیان می‌کند. گویی بافنده زن مکریان به‌طور غریزی دریافته است که با ترکیب چند رنگ ساده به همراهی نقوش انتزاعی و ساده شده ملهم از زندگی و طبیعت اطراف خویش، می‌تواند تنوع بی‌انتهایی را خلق کند.

بی‌تردید این نقوش و طرح‌ها، ملهم از هنر و فرهنگ قبل از ورود اسلام به این خطه از سرزمین مقدس ایران است که همچون سایر نقاط این سرزمین تنها جنبه‌ی تزئینی و زیبایی صرف نداشته بلکه در جنبه‌ی والاتر از ظاهر و صورت جایگاه نمادینی به خود گرفته و نشان از معنایی بس والاتر و گرانبه‌تر از صورت خویش دارد.

ساده زیستن هنرمند کرد، بی‌آلایشی و نحوه‌ی نگرش وی به محیط پیرامون و طبیعت، سنت‌ها و باورهای که پدید آمده و ارتباط یکسان و یکنواخت او با طبیعت و همانندی باورها و سنت‌هایی که در طول قرن‌ها از نسلی به نسل بعد سینه به سینه رسیده و چندان تغییری نداشته، سبب گردیده تا رشته‌ی وفاداری او به خاطره‌ی قومی و جمع‌اش از هم ننگسلد و نقوش مایه‌ها را هم‌چنان پایدار و باثبات با کمترین تغییر و تحول در فرم و معنا در بیشتر آثار خویش به کار برد.

دکتر شایگان می‌نویسد: «یکی از وجوه شاخص هنر مشرق زمین وفاداری به خاطره قومی است. یعنی خاطره‌ای که ساخت‌های ذهنی و کلیت سازنده نظام فرهنگی را همواره حفظ می‌کند. در این نظام الگوها و شکل‌ها نه فقط در تجلیات ظاهری و نمودهای عینی، بلکه در جوهر خود تجدید حیات می‌کنند. گواه این واقعیت آن که هنرمندان آسیایی قرن‌ها همان الگویی را که با تجربه‌ی درونیشان غنی شده است، تکرار می‌کنند. منظور وفاداری به خاطره و احیای گنجینه‌های آن است. این خاطره گذشته را به حال می‌پیوندد و حال را به آینده و همه را در افق بی‌زمانی لحظه می‌شکوفاند.»^۶

«کردهای مکریان بیشتر در آثار خویش نقوش هندسی‌ای به کار می‌برند که در کنار آنها الهامات و تأثیر طبیعت به خوبی هویدا است. بافندگان زیبایی‌های طبیعت و جانوران و گیاهان گوناگون را به شیوه‌ی استادانه در بافته‌های خود منعکس می‌کنند.»^۷

دسته‌بندی نقوش از لحاظ موضوعی

یکی از شیوه‌های نقش‌پردازی در هنرهای سنتی، نقوش انتزاعی است که از تجلیات ذوق هنرمندان در طول تاریخ بوده و هنوز هم این سنت طراحی در بسیاری از رشته‌های هنری و صنایع دستی ایران رونق دارد. نقوش‌هایی که هنرمند باذوق و احساس و اندیشه و باله‌ام از طبیعت پیرامون خود ابداع می‌کند، که در عین سادگی نشان دهنده‌ی نوع نگاه و علائق و آمال و آرزوهای هنرمند و چگونگی برداشت او از پدیده‌ها است.

یکی از ویژگی‌های این قوم که بیشتر در انواع دستبافت‌های سنتی به کار رفته، ذهنی بودن آنها است که در دستبافت‌ها به «ذهنی‌باف» مشهور است.^۸

خلاصه کردن طرح‌ها، با استفاده از خطوط عمودی، افقی، مایل و شکسته به همراه استعاره و رمزپردازی از شیوه‌های معمول طراحی این نقوش می‌باشد. از دیگر ویژگی‌های این دسته از نقوش شیوهی آموزش آن است. این نقوش در فرآیند تکامل خویش به صورت سینه به سینه و استاد و شاگردی انتقال یافته و فاقد یک روش آموزش مدون می‌باشد. از دیگر ویژگی‌های این نقوش عدم تکرار است چرا که نقوش و بافندگان آنها به طور عام از یک روش و الگوی ثابت و معین پیروی نمی‌کنند.

با این اوصاف می‌توانیم نقوش به‌کار رفته را به لحاظ موضوعی به چند دسته و گروه تقسیم کرده و هر یک را جداگانه مورد بررسی قرار دهیم:

نقوش انسانی

نقوش حیوانی

نقوش گیاهی

نقوش برگرفته از سایر پدیده‌های طبیعی

نقوش اشیا

نقوش کاملاً انتزاعی

نقوش اسطوره‌ای

نقوش انسانی

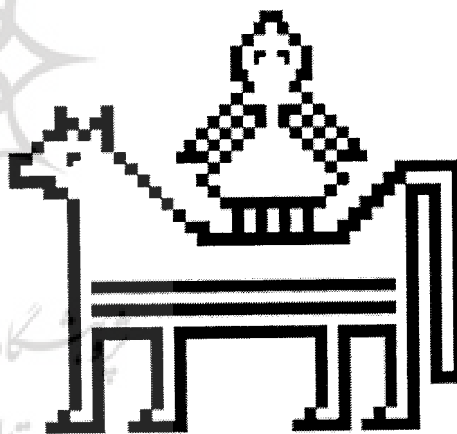
در کلاه میلی منطقه مکریان استفاده از این نقش به حداقل رسیده و نمونه‌های انگشت‌شماری از این دسته از نقوش می‌توان مشاهده کرد. البته نزدیک شدن نقوش به انتزاع کامل در بسیاری موارد موجب می‌شود بتوان با قاطعیت نقش مربوطه را تشخیص داد. با وجود این نقش انسان تفاوت شاخصی از لحاظ فرم و محتوا با نقش انسان در سایر مناطق و دیگر آثار هنری دارد.

نقوش حیوانی

نقش حیوانی به‌کار رفته در هنرهای سنتی ایران یکی از مجموعه‌های غنی طراحی است که در طول تاریخ مورد توجه طراحان و هنرمندان بوده است. در این نقوش نمونه‌های بسیاری از نقش‌های جانوران و پرندگان که به شیوه‌های مختلف از جمله شکسته و انتزاعی به اجرا درآمده‌اند، وجود دارد.^۹

حیوانات همیشه مورد توجه و احترام انسان بوده‌اند. گاهی به جهت تأمین منابع غذایی و مایحتاج زندگی و گاه به دلیل زیبایی و زمانی به عنوان نشانه‌ای از قدرت و نمادی از پدیده‌های طبیعی و مافوق طبیعی که از توان و قدرت آدمی خارج هستند. در این میان نقوش مربوط به حیوانات اهلی که با انسان و در کنار او زندگی می‌کنند و برای آدمی سودمند بوده و زندگی انسان‌ها به آنها وابسته است بیشتر مورد توجه هنرمند بوده و نسبت به دیگر حیوانات منقوش شده‌اند.

بر روی کلاه میلی مکریان بیشترین جایگاه در میان نقوش حیوانی به حیوانات اهلی که در زندگی انسان‌ها نقش اساسی داشته‌اند، داده شده است حیواناتی همچون: شتر، بز، ماهی، اسب و... در این میان حیواناتی همچون: کبوتر، پروانه و مار که در باورهای این مردم دارای جایگاه ویژه‌ای می‌باشند، حضور زیادی دارند.



نقوش گیاهی

از قدیمی‌ترین نقوش گیاهی روی منسوجات و زیراندازهای ایران می‌توان به نقوش گیاهی روی فرش پازیریک اشاره کرد. طبیعت همواره سرچشمه‌ی الهام بشری و اولین راهنما و آموزگار انسان نخستین برای حفظ بقا بوده است. اهمیت طبیعت برای ادامه‌ی زندگی به حدی توانمند بوده که در افکار و اسطوره‌های بشر نخستین به خوبی مشاهده می‌شود. گیاهان در زندگی انسان تأثیر زیادی داشته‌اند و دارند، چه به عنوان مصارف غذایی و دارویی و رنگی و چه به عنوان زیبایی، به همین دلیل نیز به تدریج قداست خاصی یافته و بر فرهنگ مردم تأثیر گذاشته‌اند. در کلاه میلی مکریان بیشترین مقدار نقوش را نقوش زیبای گیاهان تشکیل می‌دهد. این نقوش واکنش طبیعی و عمدی هنرمند نسبت به طبیعت است. نقوش به طرز بسیار زیبا و بدیع طرح شده‌اند. بر روی کلاه میلی

نقش کبوتر



نقش ماهی



در بسیاری از موارد حضور نقوش گیاهی را در کنار و همراهی نقوش حیوانی همچون کبوتر مشاهده می‌کنیم. نقوش زیبای گیاهان روی کلاه میلی جایگاه خاصی دارد. در بیشتر موارد بر روی سطح و قسمت فوقانی انواع کلاه میلی مکرران تنها نقوش گیاهی و انتزاعی شکل می‌گیرد. ما تنها در قسمت حاشیه و کناری کلاه شاهد نقوش حیوانی و انسانی هستیم. همچون سایر نقوش، نقوش گیاهان از طراحی بسیار حساب شده و دقیقی برخوردار بوده و در نهایت حساسیت بر روی کلاه میلی بافته می‌شود.

نقوش برگرفته از سایر پدیده‌ها

علاوه بر نمونه‌های ذکر شده که بیشتر آنها برگرفته از طبیعت است، در بسیاری از آثار، نقوش‌هایی به چشم می‌خورند که در موضوعات گذشته جای نمی‌گیرند و به همین دلیل با عنوان سایر پدیده‌های طبیعی طبقه‌بندی می‌شود. نقوش‌هایی چون ستاره، خورشید، ماه، موج دریا و...

نقش ماه و خورشید از نمونه‌هایی است که در بررسی تاریخ هنر ایران و در دوره‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته و در هر دوره خصوصیات خاص خود را دارا است. یکی از نقوش‌های بسیار کهن، نقش

گردونه خورشید است که از دوران باستان در هنر ایران و پس از دوره اسلامی به شکل‌های مختلف به کار رفته است. در برخی موارد نیز به صورت مربع و در بعضی دوره‌ها و هنرها به صورت دایره استفاده شده است. این نقش در کلاه میلی در بیشتر موارد به صورت دایره و روی قسمت فوقانی و در واقع مرکز کلاه قرار می‌گیرد. جالب است بدانید نقطه شروع بافت این نوع کلاه از مرکز دایره، قسمت بالای کلاه، شروع می‌شود که در واقع همان نقش خورشید است که بر سایر نقاط پرتو افشانی می‌کند و روزی و برکت را ارزانی و در باور عامه صاحب کلاه را از شر بلاها و ناراحتی به دور نگاه می‌دارد.

نقوش اشیاء

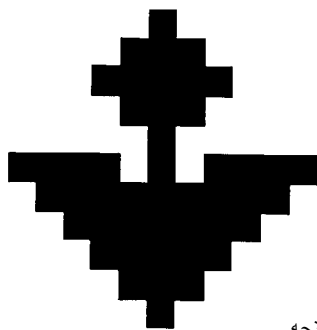
در میان انواع نقوش، نقوش‌های بسیاری وجود دارد که منشاء آن محیط اطراف و ابزارآلات زندگی روزمره انسان است. این نقوش برداشت ذهنی هنرمند حساس از وسایل و ابزار مورد استفاده در زندگی روزمره است که در بعضی موارد به راحتی قابل تشخیص بوده و در مواردی به علت زیاد تجریدی شدن منشأ آن غیرقابل تشخیص بوده و شناخته نمی‌شود و به نقشی صرفاً هندسی تبدیل می‌شود.

برخی از این نقوش از روی ابزارهای مورد استفاده در زندگی همچون: شانه، چراغ، سماور، قیچی و... الگوبرداری شده و طراحی گردیده است. در میان نقوش به کار رفته در کلاه میلی مکرران نقش شانه را به وفور مشاهده می‌کنیم. زیرا تنها ابزاری است که هنرمند زن مکرران که بافنده‌ی این نوع خاص کلاه است در زندگی روزمره خویش بسیار از آن استفاده کرده و همواره در پیش چشم او حضور داشته و برایش بسی مهم بوده است.

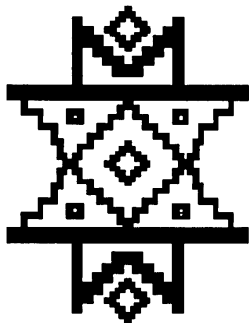
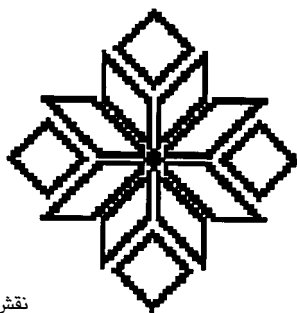
نقوش کاملاً انتزاعی

این گروه از نقوش‌ها نیز عموماً با الهام از طبیعت و برگرفته از آثار و اشیای طبیعی است، ولی چنان ساده شده که تشخیص این که ملهم از چه شی یا پدیده طبیعی بوده بسیار مشکل می‌نماید. هنرمند با تخیلات و ذوق و سلیقه خود نقوش طبیعی را چنان تغییر می‌دهد که نقشی مجرد از طبیعت به وجود می‌آورد، نقشی هندسی و شکسته که کاملاً انتزاعی است.^{۱۰}

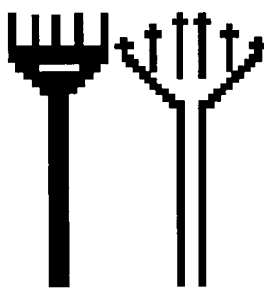
قسمت زیادی از نقوش به کار رفته در تزئین کلاه میلی مکرران را این دسته از نقوش شامل می‌شوند. بسیاری از این نقوش در مقیاس کوچک برای ایجاد فضا سازی و جدا کردن و تقسیم‌بندی حاشیه کلاه به کار می‌روند. در بسیاری از موارد هم این نقوش به تنهایی به عنوان یک نقش مایه و نقشی زیبا به صورت مستقل روی کلاه جای می‌گیرند. به هر حال در ایفای نقش تزئینی، این نقوش کمتر از سایر نقوش نبوده و جایگاه ویژه خود را دارا هستند.



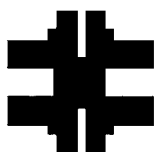
نقش جعفری و غنچه



نقش ستاره



نقش شانه

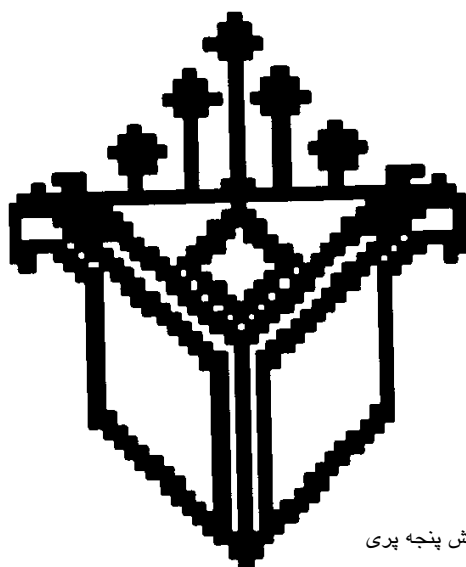


نقوش اسطوره‌ای

دخل و تصرف بسیاری از اجرام و موارد دیگر در زندگی آدمی، همواره مورد توجه و عنایت انسان بوده است. بشر نخستین به علت عدم شناخت و توانایی کافی بسیاری از امور را به عوامل دیگر مرتبط کرده تا پاسخ‌گویی بسیاری از سؤالات باشد یا خویشتن را محافظت نماید. از این رو اسطوره پا به عرصه گذاشته و خود را در قالب اشکال و نقوش ظاهر می‌نماید.

برخی از حیوانات برای انسان نخستین بسیار مهم و مورد پرستش و احترام بوده‌اند برای مثال: بز، نمادی از باروری بوده یا عقاب نمادی از قدرت و عظمت به شمار می‌رفته است. این نمادها در فرهنگ‌های مختلف به شیوه‌های متفاوت طرح شده و معانی متفاوت می‌یابند.

هنرمند با طرح این نقوش که از جهان‌بینی آن ملت و تمدن برخاسته است خویشتن را محافظت کرده و نقش را به عنوان وسیله‌ای که قدرت ماورایی دارد همواره در کنار خود نگاه داشته تا از این قدرت بی‌بهره نباشد. همه‌ی اینها برای حفظ حیات و امید به آینده است که شکل می‌گیرند و در دوره‌های مختلف از لحاظ فرم و محتوا تغییر می‌کنند. نمونه‌های این چنین در هنرها و آثار تمدن ما بی‌شمار است و کلاه میلی نیز مستثنی نبوده و از آن بهره گرفته است. اگر چه این دست نقوش در کلاه میلی کمتر و انگشت‌شمار به کار رفته است اما بسیاری از نقوش که منشأ و مأخذ آنها قابل تشخیص نیست چه بسا از این گروه باشند که با مطالعه بیشتر و تفحص گسترده‌تر می‌توان پی به واقعیت این امر برد.

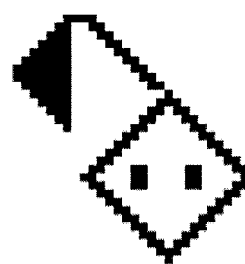


نقش پنجه پری

نتیجه‌گیری

هنرمندان عموماً در پی ایجاد ترکیبات زیبا و متناسب بوده‌اند، تناسب و هماهنگی‌ای که بیان‌کننده‌ی رابطه جز با کل در یک اثر هنری است. هم‌چنین اجزا با یکدیگر و با تمامیت اثر نیز رابطه و هماهنگی دارند. ایجاد تناسب بین اجزا با رعایت مقیاس‌ها و اندازه‌ها و فاصله‌ها نیز ارتباط داشته و صورت می‌گیرد. در بسیاری از موارد هنرمند برای ایجاد هماهنگی و تناسب و زیبایی اثر، نقش مرکبی را ایجاد کرده و با تکرار یک نقش به صورت یک شکل هندسی آن را در سطحی وسیع گسترش می‌دهد.

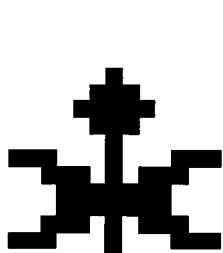
گرایش به تقارن و پدیده‌های هماهنگ و منظم یکی از باستانی‌ترین و مداوم‌ترین جنبه‌های تاریخ تمدن انسانی است. اعتقاد بشر به تقارن و هماهنگی بین پدیده‌ها و تلاش برای رسیدن به وجودهای متقارن و هماهنگ در تمام رشته‌های معرفت، هنر و صنعت پدیدار می‌شود. قدرت تفکر و توانایی نیاکانمان زمانی بر ما آشکار می‌شود که به بررسی و کاوش پیرامون چگونگی پیدایش نقوش، موارد تکنیکی و از همه مهم‌تر جهان‌بینی خاص آنها که در هزاران سال پیش شکل گرفته است و از این منبع بزرگ، این نقوش ملهم و پا به عرصه گذاشته‌اند، بپردازیم و پرده از بسیاری از رازهای نهفته در دل تاریخ برداریم و خاک‌های گذشت زمان را کنار زده، این گنج عظیم به ارث رسیده از نیاکان را بر همگان آشکار کنیم و آن را در جهت اعتلای هنر این مرز و بوم به کار گیریم.



بی‌نام



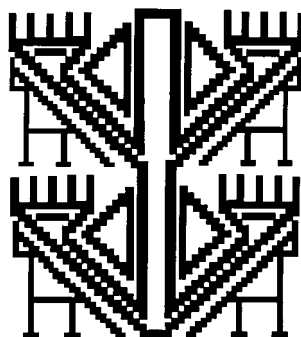
شتر



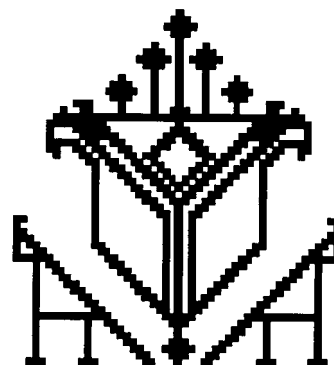
درخت



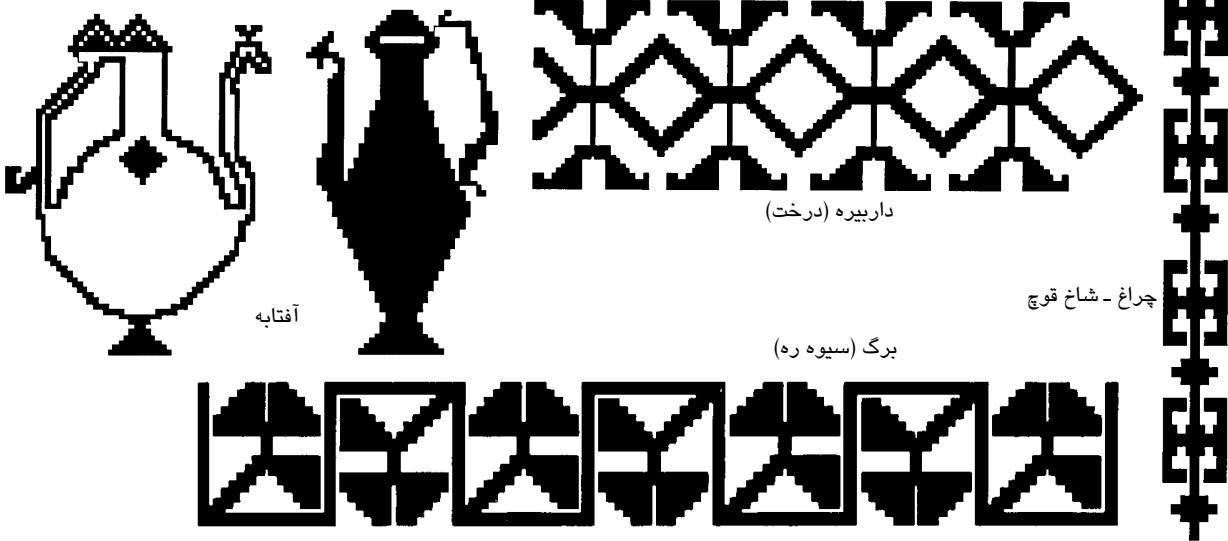
درخت چنار



کیوتر و شاناه



کیوتر و پنجه پری



پی نوشت‌ها:

۱. آیت‌الله شیخ محمد مردوخ کردستانی، تاریخ مردوخ، تهران: کانگ ۱۳۷۹، ص ۴۲.
۲. آیت‌الله شیخ محمد مردوخ کردستانی، تاریخ مردوخ، تهران: کارنگ، ۱۳۷۹، ص ۴۳.
۳. آیت‌الله شیخ محمد مردوخ کردستانی، تاریخ مردوخ، تهران: کارنگ ۱۳۷۹، ص ۴۳.
۴. آیت‌الله شیخ محمد مردوخ کردستانی، تاریخ مردوخ، تهران: کارنگ، ۱۳۷۹، ص ۵۴.
۵. محمد جمیل روزیانی، فرمانروایان مکریان، تهران: آنا ۱۳۸۵، ص ۳۱.
۶. داریوش شایگان، آسیا در برابر غرب، تهران: باغ آینه، ۱۳۷۱، ص ۲۶۱.
۷. خلیل مشتاق، بررسی نقش و رنگ در هنر بومی کردها، رساله دانشگاهی، کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه هنر، ۱۳۷۴، ص ۱۲۲.
۸. سید عبدالمجید شریف‌زاده، هندسه نقوش، شرکت چاپ و نشر کتب درسی، ۱۳۸۱، ص ۳۴.
۹. سید عبدالمجید شریف‌زاده، هندسه نقوش، شرکت چاپ و نشر کتب درسی، ۱۳۸۱، ص ۳۹.
۱۰. سید عبدالمجید شریف‌زاده، هندسه نقوش، شرکت چاپ و نشر کتب درسی، ۱۳۸۱، ص ۵۶.

منابع:

- ۱- مشتاق، خلیل. بررسی نقش و رنگ در هنر بومی کردها. رساله دانشگاهی، کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه هنر، ۱۳۷۴.
- ۲- شریف‌زاده، سید عبدالمجید. هندسه نقوش، شرکت چاپ و نشر کتب درسی
- ۳- مردوخ کردستانی، شیخ محمد. تاریخ مردوخ، تهران: کارنگ، ۱۳۷۹
- ۴- روزیانی، محمدجمیل، فرمانروایان مکریان، تهران: آنا ۱۳۸۵.
- ۵- شایگان، داریوش. آسیا در برابر غرب، تهران: باغ آینه، ۱۳۷۱.
- ۶- رید، هربرت. معنی هنر، ترجمه‌ی دریابندری، چاپ پنجم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
- ۷- محمد الجباری، عبدالجبار، ترجمه‌ی احمد محمودی، زنان نامدار کرد، سنج، رستمخانی، ۱۳۸۰.
- ۸- صفی‌زاده، صدیق. تاریخ کرد و کردستان، تهران: آتیه ۱۳۷۸.
- ۹- بوبین سن، مارتین وان. ترجمه‌ی ابراهیم یونسی، جامعه‌شناسی مردم کرد، نشر پانید، ۱۳۸۳.
- ۱۰- سلیمی، هاشم. زمستان در فرهنگ مردم کرد، تهران: سروش ۱۳۸۱.
- ۱۱- خزایی، محمد. هزار نقش، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۱.
- ۱۲- خزایی، محمد. نمادگرایی در هنر اسلامی، مجموعه مقالات اولین همایش هنر اسلامی، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۰.
- ۱۳- رحیمی، مسعود. بافنده کرد نقاش ذهن خویش، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۶.
- ۱۴- یآوری، حسین. کلیاتی درباره صنایع دستی روستایی ایران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۶۲.